

بقلم عزیز الدین فوقزائی

# محمد عمر خان فوقزائی

متخلص به «عمر»

## یکی از شعرا و خطاطان قرن ۱۹ و وطن

محمد عمر خان «عمر» ولد محمد کلان خان و ادردار محمد علم خان و کیل الدوله  
عهد اعلی حضرت شاہ زمان و ادردار عبداللہ خان و کیل الدوله عصر اعلی حضرت تیمور شاہ  
و قبل از ان دیوان بیگی عهد اعلی حضرت احمد شاہ کبیر [۱]

محمد عمر خان قوم ابوب زائی فوقزائی و یکی از علماء و شعراء خوش فریختہ زبان پشتو  
و فارسی و خوش نویس با ذوق و سابقہ قرن ۱۹ و وطن بودہ کہ اینک سوانح عمری مرحوم را  
از یاد داشت های شخصی خانوادگی و یادچہہای اسناد خطی خود مرحوم و اسناد دیگری  
کہ بہ مہر سلاطین محمد زائی ثبت میکنند بہ غرض نفاذت مطالعین محترم پرداختہ و موصوف  
را در سلك شعرا و خوش نویسان و نویسندگان با استعداد عصر اعلی حضرت امیر دوست  
محمد خان و امیر محمد افضل خان و امیر شیر علی خان مرحوم منسوب و محسوب میداریم ؛  
محمد عمر خان مرحوم در گذرد دیوان بیگی کابل تولد یافته و پس از انجام تحصیلات  
خصوصی در علوم عربیہ در ۱۳۶۰ حکومت کرم مقرر گردید در سنہ ۱۲۶۶ قمری [۲] زمانی  
کہ سردار محمد افضل خان ثم امیر محمد افضل خان از طرف اعلی حضرت امیر کبیر دوست  
محمد خان بجیت حاکم کل کابل مقرر گردید محمد عمر خان بجیت معاون و متصدی  
امور حکومت و منشی خاص و باصلاح آموختہ بنام ملالت مقرر شدہ و مدتی زمان خدمت  
بسربردہ و وقتی کہ سردار محمد افضل خان بن امیر کبیر دوست محمد خان مرحوم  
شہر تخته پل را در سنہ ۱۲۶۹ قمری بنیاد گذاشت محمد عمر خان مرحوم دومین بار بجیت  
حاکم تخته پل مقرر گردید و درین سنہ سجم مہر خود را کہ قبلاً بنام محمد عمر بن محمد کلان  
محمدک بود تغییر دادہ باین بیت مسجع گردانیدہ

یافتہ از آتش دوزخ گذر از شرف نام محمد عمر

اما چون شخص شاعر و ناز کخیال بود بہ مدت طولانی حکومت شہر تخته پل دق  
آورده از سردار محمد افضل خان امر تبدیلی خود را خواست و لی سردار

[۱] نمونہ اشعار سردار عبداللہ خان و کیل الدوله و محمد علم خان و کیل الدوله  
و محمد کلان خان و فقیر محمد خان متخلص بہ [فقیر] ولد محمد عمر خان برادرش  
نیز انشاہ اللہ تعالی بہ منصہ نشر تقدیم خواہد شد.

[۲] سوانح محمد عمر خان را قبل از سنہ ۱۲۶۰ قمری قبل از حکومت دفعہ اول کرم تا حال  
سراغ نتوانستیم.



محمد افضل خان از اینکه او شخص ادیب و کف با کفایتی داشت خواهش او را به تبدیلی آن قبول نمی کرد. محمد عمر خان مرحوم از روی حماست ادبی يك قصیده مطولی در آن مومن سروده که يك بیت آن مرحوم را تا حال نواسه آن حاجی نظام الدین یدربنده بغاظر دارند جهت اثبات مطلب درج مینمایم:

از هجوم یسه وضیق معیشت اندران      نغته یل شهر یست کودر کار باشد نیست نیست

یس از استماع ابیات شکایت و طیبیت آمیز آن مرحوم سردار محمد افضل خان از روی الفاظ آن شاعر محترم را تبدیلاً به حیث حاکم سنگ چارک مقرر نمود. محمد عمر خان دهم مدتی را در حکومت سنگت چارک نیز با همان صداقت به سر برد و در سال ۱۲۷۴ قمری که سردار غلام حیدر خان پسر امیر کبیر دوست محمد خان در کابل فوت شد به مهمیت سردار محمد افضل رهسپار کابل شده ویس از انجام فاتحه داری و غیره امور همراه سردار محمد افضل خان و ایس عازم ترکستان شده و در آبیک ترکستان مجدداً بحیث حاکم قرار داشته و در سنه ۱۲۸۱ قمری که بین امیر شیر علی خان و سردار محمد افضل خان مرحوم جنگ برپا شد در حصص خان آباد محمد عمر خان در جنگ آنوقت از طرف سردار محمد افضل خان به مقابل امیر شیر علی خان بحیث يك افسر نظامی داخل مجا ربه نده و در آن موقع شکست فاحشی در لشکر امیر شیر علی خان رخ داد ولی افسوس که در آن معامله زود تر از طرف امیر شیر علی خان محمد عمر خان بحیث سرهنگ شناخته شد و از آن رویه محمد عمر خان امیر شیر علی خان مرحوم خیلی مکدر شد و بخود چنان از خشم بیچید که بعد از یافتن این اطلاع در کابل امیر شیر علی خان مرحوم امر شدید و اکید صادر فرمود تا به جرم محمد عمر خان فو فلزائی برادرش محمد صدیق خان و محمد حیدر خان به زندان انداخته شوند و اما می جای داد اوشان در کابل ضبط شود و موقعی که خودش هم بدست آید قتل شود همان بود که در اثر امر شدید امیر شیر علی خان مرحوم محمد صدیق خان و محمد حیدر خان برادرانش امر حبس و جای داد اوشان بنای ضبط کردید در این وقت ایشیک اقای شیر دل خان مرحوم [۱] که داماد محمد عمر خان مرحوم بود از شنیدن این واقعه خیلی مضطرب شده و از حضور امیر شیر علی خان عذر خواست که در معامله محمد عمر خان برادرانش اشتراکی ندارند و جای داد ایشان هم موروثی محمد علم خان و کیل الدوله جدایشان است که از ثروت شخصی محمد عمر خان اندوخته و خریده نشده است تنها موقعی که خود محمد عمر خان بدست آید از خودش بازخواست شود تا جوابی که بغاظر داشته باشد بحضور مبارک شاه معروض دارد و به برادرانش تعلق نیست. امیر شیر علی خان مرحوم در اثر استغاثه برادرانش و شفاعت ایشیک اقای شیر دل خان امر اولی خود را در مورد زندانی شدن و ضبط جای داد

[۲] بی بی نظیر سلطان بنت محمد عمر خان مرحوم همسر ایشیک اقای شیر دل خان لوی ناب بود که علیا حضرت والده والا حضرت سردار امان الله خان شاه مخلوع و زوجه سردار محمد علی خان برکد از بطن همین محترمه بی بی نظیر سلطان بنت محمد عمر خان بوجود آمده است و این محترمه در قلعه دیوان بیگی در جوار قبر برادر خود فقیر محمد خان مدفون است.



برادرانش معطل قرار داد و وقتی که سپاه سردار محمد افضل خان هریمت یافت تمام افسرها و بزرگان لشکر و هیئت معینتی سردار محمد افضل خان در تاشقرغان بدست لشکر امیر شیر علی خان گرفتار شدند با انتقام همان معامله و لشکر کشی محمد عمر خان که به شدت جنگیده بود میخواست حکم گذشته خود را در باره او عملی کند ولی محمد عمر خان مرحوم چون دارای سابقه خوب و یک تن از نجبا و مشاهیر اهل فضل و هنر بشمار میرفت و از عصر اعلی حضرت امیر کبیر دوست محمد خان تا ایندم افعال پسندیده و افکار سنجیده او بخاطر همگان جا داشته و علاوتاً سلسله خدمات او یکایک مدنظر بود از آن جرم بزرگ مقابله با امیر شیر علی خان معاف شده مگر با همان حسن التفات امیر شیر علی خان مرحوم که از گناه او در گذرشد ولی در اثر همان معاملات و کدورت های زیادی که فراموش ناشدنی بود چندی بیکار و خانه نشین شد. سپس از طرف خود امیر شیر علی خان مرحوم بحیث حاکم کرم مقرر گردید که چند سال را در آنجا به سربرد و در سنه ۱۲۹۱ که نائب محمد علم خان فوت شد در همین سنه مذکوره ایشیک افاسی شیر دل خان بلقب لوی ناب و پسرش خوشدل خان به لقب که کمی ناب در سنه ۱۲۹۱ قمری بحیث حاکم کل ترکستان مقرر گردید درین وقت بمرض بازخواست و واریسی بعضی اراضی و دارائی او که در ترکستان تا این وقت از دوره های گذشته حکومت او نزد کسان باقی مانده بود به معیت ایشیک افاسی شیردل خان هم لوی ناب داماد خود عزم مسافرت نمود اگر چه ایشیک افاسی شیردل خان لوی ناب مرحوم او را به کار حکومت در یکی از مجال ترکستان تکلیف و اصرار زیاد نمود ولی با اصرار زیاد لوی ناب مرحوم از روی همت افغانی طرفدار نشد که به طفیل داماد خود مجدداً رتبه حاصل نماید تنها در آن وقت بحصول نقدینه خود که در آنجا و نزد مردم گذاشته بود پرداخت ولی در یک جائی که یک نظام او را از بیاض قلمی خودش در مصحف کشمیر دستیاب نمودم و در آن نظام او را دریای کتاب واقعات کربلا که اثر منظوم مرحوم است و اشعاری که فقیر محمد خان مرحوم گفته است معلوم میگردد که یاد در عصر امیر کبیر دوست محمد خان مرحوم و یاد در عصر اعلی حضرت امیر شیر علی خان در کشمیر هم بکاری ما آورده است و هم گذار اندراب نیز حکومتی داشته است اما از حکومت مرحوم در آنجاها بجز چند بیت خودش دلیل دیگری موجود نشد :

در قسمت بدست آوردن اشعار و نمونه های خطی مرحوم تاسف بیشتری که دارم این است که در آن اوقات وسائل مطبوعاتی وجود نداشته و فکر تاریخ نویسی و سوانح نگاری درباره علماء شعراء و خطاطان کمتر در افغانستان رواج داشته که بجز از واقعات خونین درین قسمت ها احدی التفاتی نکرده است از همین سبب آثار قیمته دار این شخص بکلی از بین رفته است ولی با وصف همه این مشکلات چون از مدتی به جمع آوردن آثار مرحوم علاقه مند بودم مگر در نتیجه بعضی دستیاب شد که دلیل پیدایش آن هم توجه عمیق بنده بوده که بهر طرف جستجو نموده و اخیراً از خانه جناب محمد علم خان رساله داری سر عم بدرم حاجی نظام الدین خان یک بیاض قلمی ضخیمی را که دارای تقریباً یک هزار و پینصد صحیفه بود و بی نیاز از تدوین، افوال شعراء نام و در زبان فارسی که به ذوق خود محمد عمر خان در دیف



و بخط زیبای خودش در کاغذ ابریشمی و حواشی مطالات تحریر شده و بعضی اشعار مرحوم با استقبال افوال شعرای متقدمین و مشاعرۀ اشعار معاصرین خودش مثل میر هوتک خان فوفلزائی «افغان» [۱] و حسن علی خان «حسن» و غلام احمد خان و میر عبدالصمد سخن، رفیق، فروغی، صادق، سابق، وصفی، عطا، احمد، اشرف، راضی، آصفخان، طوفان، مشتاق، رضائی، زقی، قاسم کاهی، امید، مانی و امثالهم به ترتیب حروف تهجی تردیف نموده و در ختم اشعار انتخابی يك شعر بادو شعر در ردیف همان قافیه از خود گفته که در هر باب به نظر بنده رسیده و جهت ترتیب سوانح مرحوم منتخب و مندرج گردید و يك کتاب فلعی دیوان رحمان با اشعار معروف زبان پشتو و کتاب منظوم دیگری بنام واقعات کرلا، ثرطنج و خامه، محمد عمرخان مرحوم و کتاب کنج جواهر سوانح عمری حضرت سید عالم صلی الله علیه و علی آله و اسحابه وسلم و کتاب کنز در علم فقه و کتاب جنت الفردوس از دست عم محترم جناب علی محمد خان بمطالعه شده پیوست و این آثار مدنی پوشیده و در گوشه گذاشته شده بود که تا حال بمطالعه هر يك موفق نشده بودم و اینک آناری که تازه بدست استفاده شده رسیده است بمطالعه فزونترین محترم می پردازم.

### نمونه اشعار تاریخی مرحوم به زبان فارسی: (۲)

سبع مہر ایشیک آفاسی شیردل خان مرحوم کہ زاد طبع از ست اینجا برای اثبات نامد عا  
مرقوم میشود:

علیست شیر خدا و امیر شیر علی کسی کہ نائب شیران بود چو شیر دل است  
یکی از افراد فی المطالبہ مرحوم اینکہ در کدام موقعی کہ در نغمہ احمد خان فریب  
کابل گذر کرده و شخصی را بہ آرزو داشته از شدت شگفتی و عدم پیدا ایش سہا بہ  
چنین گفته بود:

قلعہ احمد نادر دستار دستار علم انسانیت توان بنفیردهاش خوانند  
چند بیت دیگر می کہ بہ وصف کشمیر سرورده و از بیض فاعلی خودش دریافتیم این است،  
یکروز بہ شالار کشمیر نظارہ کنان بہار کشمیر

[۱] بی زیب نامہ بنت جناب میر هوتک خان ففن فوفلزائی زوجہ محمد کلان خان ولد سردار محمد علم خان وکیل الدولہ والدہ محمد عمرخان «عمر» بود کہ این فرابت او شان را از یاد داشتهای تاریخی جناب بر کد عبد الغیاث خان مرحوم نوادہ سردار جهان خان مرحوم در کہ نموده ام کہ آن یادداشت ہنزد آفای عبد القدوس خان پسر ار کد مرحوم تہنوز موجود است.  
(۲) چون شرح سوانح و درج اشعار و سلسلہ آثار خطی مرحوم بہ تطویل می انجامد لہذا درین مقالہ باطوالت موجودہ آن خیلی اختصار بعمل آمد انشاء اللہ تعالی مملو مات بیشتری را در بارہ کتب خطی و آثار منظوم آن مرحوم در آئینہ بفرض مطالعہ مزید علاؤندان تاریخ وطن تقدیم خواہیم نمود.

زرخان قلمه ولسر الدوله بدرا

حسب

مسئغه ده تالان و شصت و پنج دقاره

کرم عبا رت زرم صد و یک و نیم فاسم

لازم الیایت هر ده اسم بویت

شوشو کهن علم لیسوا از خطاطات

بر تال جامع علوم آستان عالی رابع

نور فزایا بخت عالی رابع

Handwritten marginal notes on the right side of the page.

حکمنامه اعلی حضرت امیر دوست محمد خان مرحوم که مبلغ مالیات و رتبه دیگر سردار علم خان و کیل الدوله مرحوم را به معاش محمد صبر خان مرحوم امر محسور اعطا فرموده است. مهر امیر دوست محمد؛ نوت، در سطر اخیر اسم سردار محمد افضل خان خواننده میشود



الک  
از اعوان خاندان ولید الدوله  
بسم الله الرحمن الرحیم  
منبع همان زمان در حدود صد نفیسه میباشند  
بسم الله الرحمن الرحیم  
مذکور است که در این کتاب  
عوض بوجوب عالی محمد عرفان و  
بسم الله الرحمن الرحیم  
مذکور است که در این کتاب  
عوض بوجوب عالی محمد عرفان و  
بسم الله الرحمن الرحیم

حکمنامه اعلیحضرت امیر شیرعلبخان مرحوم در سنه ۱۲۷۴  
به عنوان ورثه سردار علم خان و کیل الدوله که مالیه دگر ورثه  
موصوف را امعاش محمد عمر خان فوقانی امر مجری اعطاء  
فرموده است .  
مهر شیر علی

۱۱۱  
 ۱۱۱ عاين عليهم ولي الدوله  
 مبلغ ده تان ششصد و پنجاه و نه  
 عبارت از موهب و موقوفه نام  
 هزاره تان پاره اول  
 قلمه فرزند موصوف و موقوفه نام  
 نكته لغات فرقه چهارم  
 مهر شير علي

حکم نامه اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم در سنه ۱۲۷۳  
 به عنوان ورثه سردار علم خان و کیل اولد و له که مالیه دگر  
 ورثه موصوف را به معاش محمد عمر خان فوعلزانی امر مجری  
 اعطا فرموده است . مهر شیر علی



شایسته  
 کارکنان عالی رتبه رفیع لکهاه  
 مسبق چشمال و پهلوز دیار  
 در عبادت زریکصد و ده روم خام  
 لایزال است برده  
 عوفن مورجی لایه در عرقان  
 با کت لایه رفیع لکهاه  
 در درو نقره فاک رسد در حال  
 ۱۲۵۱  
 خردی بد وقت الم

حکمتنامه سردار غلام حیدر خان بن امیر  
 کبیر دوست محمد خان مرحوم که مالیه  
 املاک شخصی محمد عمر خان را  
 [واضع گنجا خیل جلال آباد] به معاش  
 خودش امر مجری اعطا نموده است.  
 مهر: غلام حیدر



۱۴  
والمرور املک محمد عمر خان

لا ارم که بدتخان مای با مزه

مغضد راننده والدار توندر

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
و کتب و اسناد و کتابخانه ملی

بیمبر جابر والدر دلمه ناست

محمد عمر خان  
املاک



حکمنامه اعلیحضرت امیر محمد افضل خان مرحوم له معالیة  
املاک محمد عمر خان مرحوم را امر معافی اعطاء فرموده است



